

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

کوروش تیموری فر
۲۲ فبروری ۲۰۲۲

زنده باد مقابله



هنوز داشتیم خبر اول را تحلیل می‌کردیم، که خبر دوم رسید. خبر اول، ۲۷ آبان [عقرب] ۱۴۰۰: «به گزارش خبرگزاری‌ها به‌نقل از رادیو و تلویزیون دولتی جاپان (NHK)، هاگیودا کوچی وزیر تجارت جاپان، کاترین تای نماینده تجاری امریکا و والدیس دامبروسکیس معاون اجرائی کمیسیون اروپا در نظر دارند در خصوص اقدامات اقتصادی چین با همدیگر دیدار و مذاکره کنند. این دیدار در حاشیه کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی در سوئیس انجام خواهد شد. این مذاکرات -که بر اساس پیشنهاد دولت سابق امریکا به اتحادیه اروپا و جاپان انجام می‌شود- با هدف ایجاد قوانین بین‌المللی جدید برای محدود کردن رفتار مخرب شرکت‌های دولتی، مقابله با شیوه‌های مضر یارانه‌ها، جلوگیری از انتقال اجباری فناوری و سرقت مالکیت معنوی پیگیری می‌شود. این طرح به‌دنبال مهار کمک‌های دولتی عظیم چین به صنایع ستراتیژیک داخلی -مانند فولاد و آلومینیوم- از طریق مزایا و کمک‌های مالی دولتی، یارانه‌های انرژی، وام‌های ترجیحی، نهاده‌های ارزان قیمت و هزینه‌های ارزان استفاده از زمین است... مقامات واشنگتن تخمین می‌زنند که دولت چین بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار کمک دولتی به بخش‌های صنعتی کلیدی ارائه کرده است...».

رازگشائی از این خبر، چندان دشوار نیست: رفتار مخرب شرکت‌های دولتی چین، یعنی سبقت بخش دولتی چین نسبت به بخش خصوصی. این، قابل بخشش نیست. دهه‌هاست که نولیبرال‌ها بر طبل «بی‌عرضگی» بخش دولتی، رفتار ناکارآمد و فساد بخش دولتی، هدر دادن اموال ملی، کند کردن سرعت پیشرفت و هر نسبت ضد توسعه‌ی به آن بخش، می‌کوبند. البته که برباد دادن این افسانه، مخرب است. شیوه‌های مضر یارانه‌ها مختص چین است. شیوه مفید یارانه، افزایش تعرفه‌های ۲۵ درصدی به فولاد و آلومینیوم صادراتی چین به امریکا توسط دولت ترمپ و حمایت از صنایع داخلی امریکاست. چین نباید در مقابل این رفتار ضد توسعه‌ی (به‌زعم ادبیات سرمایه‌داری)، از صنایع خود حمایت کند. تاریخ رشد سرمایه‌داری، مشحون از اقدامات تعرفه‌ی برای نابودی صنایع کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره یا رقیب بوده است. اقدام متقابل کشورهای رشد‌یابنده -به‌ویژه با سمت‌گیری سوسیالیستی- مخرب است.

چین نباید برای سرمایه‌گذاران غربی، شرط انتقال اجباری فناوری را قائل شود. دستاوردهای بشری در زمینه صنایع پیشرفته، مختص کشورهای امپریالیستی است. ملل دیگر حق ندارند در مقابل ارائه خدمات زیرساختی خود برای فناوری‌ها و فراهم آوردن امکان رشد برای صنایع تولیدی غرب (که دیگر در کشورهای خود مورد استقبال نیستند، چرا که سرمایه‌مالی، آنها را به زائده خود بدل کرده است) تقاضا کنند که فناوری‌های به‌کار رفته، در اختیار کشور میزبان قرار گیرد. مالکیت معنوی، اسم رمز محروم کردن تمام مردم جهان، از بهره بردن از دستاوردهای تکنولوژیک است که امکان رشد اقتصادی آنان و رها شدن از قیود امپریالیستی را فراهم می‌کند. فقط انحصارات امپریالیستی حق دارند از مالکیت معنوی بهره‌مند شوند. این مهم نیست که فناوری قطب نما، باروت، کاغذ، و ده‌ها نوآوری چینی، در دوران رشد سرمایه‌داری، از چین به غرب رفته باشد. این‌که سرقت فناوری نیست. مهم آنست‌که فناوری، از غرب به چین روانه نشود. انتقال فناوری غربی، فقط به کشورهایی مجاز است که تضمین داده‌اند از آنها علیه سوسیالیسم استفاده کنند؛ مثلاً فناوری ساخت تحت‌البحری اتمی به استرالیا برای مقابله با چین، یا فناوری‌های صنایع الکترونیک به جاپان، برای مقابله با شوروی در قرن گذشته.

چین نباید به صنایع کلیدی خود کمک کند. فقط امریکا مجاز است ۸.۵ تریلیون دلار به وال استریت و بانک‌ها و مؤسسات مالی ورشکسته خود (که دنیا را به بحران کشیدند) کمک کند. کمک ۵۰۰ میلیارد دلاری چین به صنایع خود، مضموم است چون باعث افزایش بهره‌وری شده و رشد اقتصادی مداوم و بالای خود را حفظ می‌کند. غرب آرزومند ورشکستگی چین است، پس این‌گونه اقدامات چین، «خصمانه» است.

خبر دوم، برنامه رادیو بی‌بی‌سی، صبح روز یازدهم آذر [قوس]:

«اتحادیه اروپا برای مقابله با نفوذ چین، ۳۰۰ میلیارد دلار هزینه خواهد کرد. این بودجه قرار است در شش سال آینده، صرف سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌ها، پروژه‌های دیجیتال، و مقابله با تغییرات اقلیمی در سراسر جهان شود. رئیس کمیسیون اروپا گفته که طرح موسوم به «دروازه جهانی» جایگزین حقیقی برای طرح «جاده و کمر بند» چین است و مدل متفاوتی برای توسعه ارائه می‌کند. چین برای پیشبرد طرح خود، در بیش از ۷۰ کشور جهان، میلیاردها دلار هزینه کرده است.»

در طول تاریخ معاصر، این ملت‌های ستم‌دیده بودند که علیه امپریالیسم صف می‌بستند. چرا که امپریالیسم، با سلاح‌های پیشرفته خود -انحصارها، سرمایه‌های مالی و بانک‌ها، تسلیحات پیشرفته نظامی و ارتش‌های مقتدر، فناوری‌های منحصر به خود، و البته فریب- غارت سرزمین‌ها را در دستور کار خود داشت. جنگ‌ها و کشته‌های فراوان - حداقل ۱۵۰ میلیون کشته در قرن بیستم- محصول تسلط امپریالیسم و دعوا بر سر بازتقسیم جهان بین قدرت‌ها و مبارزات مردم برای رهائی از شر آنان بوده است. کشورهای ستم‌دیده، همواره به‌دنبال تشکیل اتحادها برای مقابله با امپریالیسم، و

رهائی خود بوده‌اند. اکنون طنز تاریخ را بنگرید: غارت‌گران و جنایت‌کاران سابق (امریکا و جاپان و بریتانیا و امپریالیست‌های «قاره» اروپا) به‌دنبال تشکیل اتحادیه‌های خودند تا در مقابل «امپریالیسم چین» مقاومت کنند. عجب دنیای وارونه‌ای! مردمان جهان به‌دنبال تأمین اسلحه بودند تا آن غارت‌گران را از خانه خویش بیرون رانند. امروز، غارت‌گران به‌دنبال طرح‌های توسعه زیرساخت‌ها، ایجاد فضای سبز، توسعه صنعت هوش مصنوعی و خلاصه دورنمای فریبنده برای ملل تا دیروز تحت سلطه خود هستند تا «امپریالیسم» جدید را از خانه خود بیرون رانند. پس زنده‌باد مقابله‌ای که نتیجه آن، صلح و توسعه برای مردم است؛ چه مردمان کشورهای «جهان سوم» و چه مردمان اروپا. اگر تا دیروز، رهبران جنبش‌های رهائی‌بخش ملی و دموکرات، از میان ملل تحت ستم برمی‌خاستند، اینک رهبران جدید ضد «امپریالیسم چین»، از کاخ سفید و کاخ باکینگ‌هام برمی‌خیزند.

دانش و امید، شماره ۹، دی [جدی] ۱۴۰۰